



جایگاه جامعه مدنی در حقوق کیفری با تاکید بر سیاست جنایی مشارکتی ایران

* رضا بیرانوند * * شهرام سبزیان فرد *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۲

چکیده

نقش و جایگاه مردم و جامعه مدنی در دایره علوم جنایی و پاسخ به پدیده مجرمانه، همواره متغیر بوده و در تاریخ عدالت کیفری وضعیت یکسانی را پشت سر نگذاشته است. از دوران ابتدایی مواجهه جوامع با جرم، که با انتقام گیری خصوصی و سپس دادگستری خصوصی آغاز گردیده، تا دوران روزگاران نزدیک تر که عرصه مداخله انحصاری حاکمیت ها و دولت ها در عرصه کیفری بوده است، بی شک نقش طرفین و اصحاب درگیر در فرآیند کیفری اعم از بزهکاران، بزه دیده، نزدیکان آن دو، جامعه محلی، دولت، نهادها و تشکل های عمومی و خصوصی با تغییرات شگرفی مواجه شده است؛ با ناکارآمدی روزافزون این نظام عدالت کیفری بزهکار مدار و بالا رفتن آمار جرم در قرن بیستم و افزایش رقم سیاه بزهکاری و همچنین سرخوردگی و دلسردی هرچه بیشتر بزه دیدگان از نظام عدالت کیفری رسمی، از نیمه های قرن بیستم، اندیشمندان علوم جنایی با چرخشی محسوس به سوی بزه دیدگان متمایل شدند و پس از کنکاش در نقش بزه دیده در تکوین پدیده مجرمانه، به این نتیجه رسیدند که اصولاً هیچ سیاست جنایی نمی تواند و نباید بدون توجه به بزه دیدگان طراحی و اجرا گردد. بدین ترتیب اندیشه حمایت از بزه دیدگان که خود ریشه در اندیشه های حقوق بشری قرن بیستم دارد، به جنبشی نوین بدل گشت که چه در سطح ملی در بسیاری از کشورها و چه در سطح بین المللی در عرصه سیاست گذاری جنایی و قانون گذاری، نشانه های بسیاری از آن را می توان مشاهده نمود؛ با این اوصاف نگارنده به نقش و جایگاه مردم در سیاست جنایی مشارکتی در دو بخش قوانین کیفری ماهوی و شکلی ایران با روش تحلیلی - توصیفی پرداخته است.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی مشارکتی، مردم، سازمان های مردم نهاد، قوانین کیفری.

* استادیار پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، شیراز، ایران (نویسنده

مسئول) sabzianfardshahram@gmail.com

مقدمه

امروزه جای هیچ شک و تردیدی نیست که هیچ سیاست جنایی چه در عرصه تدوین و برنامه‌ریزی و چه در مرحله‌ی اجراء بدون مشارکت مردم و جامعه مدنی قابل اجرا و اعمال نیست. حتی بهترین برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی بدون روی خوش نشان دادن مردم و بکارگیری جامعه مدنی، تنها کاغذ پاره‌هایی می‌مانند که هیچگاه در مقام عمل به منصف ظهور نخواهند پیوست. این امر در خصوص بزه‌دیدگان که خود از بطن جامعه مدنی و مردم هستند نیز کاملاً صادق است. به عبارت دیگر حمایت از بزه‌دیدگان بدون توسل به مشارکت عامه مردم و جامعه مدنی به هیچ روی امکانپذیر نخواهد بود.

بی شک عصر تفکیک کامل میان وظایف و کارکردهای حاکمیت و مردم به سر آمده است. دولت‌های حجیم، با سیاهه‌ای بی شمار از اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی، با چالشی جدی مواجه شده‌اند و در مقابل در اکثریت جوامع متمدن معاصر، جامعه مدنی دیگر نه آن مردمان منفعل و مطیع گذشته و نه حتی تنها ناظرانی بر اعمال دولت‌ها، بلکه امروزه به عنوان عناصری فعال و دخیل در تمامی جنبه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... دنیای مدرن تبدیل گشته‌اند.^۱

مشارکت مردم به گونه‌های مختلف در اداره امور از اهمیتی والا برخوردار است. امروزه برای برنامه‌ریزان تکیه بر الگوهای توسعه درون‌زا و خودیار، امری ضروری است. زیرا اگر الگوی مدیریت مشارکتی اجرا شود، افراد جامعه خلاقیت و تلاش خود را به کار می‌گیرند تا هرکدام نظر اصلاحی برای ایجاد امنیت اجتماعی بدهند، در واقع می‌توان گفت که یک نوع ارتباط دو سویه تعاملی - به وجود می‌آید که در آن دیگر، فرآیند مدیریت و تصمیم به صورت از «بالا به پایین» نیست، بلکه از «پایین به بالا» نیز

۱. بنایی بابازاده، امین؛ سازمان‌های مردم‌نهاد از توسعه انسانی تا مشارکت مدنی، تهران: نشر نگاه معاصر، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص ۲۱.

جایگاه جامعه مدنی در حقوق کیفری با تأکید بر سیاست جنایی مشارکتی ایران.....۳

خواهد بود.^۱ و برای کنترل جرم از ظرفیت‌های جامعه در اصلاح مجرمان غیر خطرناک و اصلاح‌پذیر بر استفاده حداقلی از کیفر تأکید می‌شود. یکی از اهداف اصلی کیفرهای اجتماع محور همچنان که از نام آن پیداست اجرای کیفر در بستر جامعه می‌باشد. سیاست جنایی مشارکتی خود به دو نوع کنشی یا پیشگیرانه و واکنشی و پاسخگو تقسیم می‌شود. در نوع اول آن، قبل از اینکه جرمی اتفاق بیفتد دخالت مردم و نهادهای جامعه وی قابل مشاهده است و از ظرفیت‌های آن برای جلوگیری از ارتکاب جرم استفاده می‌شود. در جرم‌شناسی به آن پیشگیری اجتماعی گفته می‌شود که بهترین و پایدارترین نوع پیشگیری از جرم می‌باشد. در نوع دوم آن، بعد از ارتکاب جرم در حد ممکن، از قابلیت‌ها و توانایی‌های جامعه مدنی برای حل اختلافات استمداد می‌شود و اختلافی که برخاسته از بطن جامعه است، برای رسیدگی نیز به همانجا ارجاع داده می‌شود.^۲

۱. مفهوم سیاست جنایی مشارکتی

سیاست جنایی مشارکتی؛ یک سیاست جنایی همراه با مشارکت جامعه مدنی که در چارچوب آن اهرم‌ها و نهادهای دیگر در کنار پلیس و دستگاه قضایی پاسخ به پدیده مجرمانه را سامان می‌بخشد. این همکاری و مشارکت ضامن اعتبار بخشیدن طرح تنظیم شده قوای مقننه و مجریه در زمینه سیاست جنایی، یا همان شرکت دادن مردم در مقابله با پدیده مجرمانه است.^۳

مشارکت مردم در امور عمومی از آنجایی ضرورت دارد که باعث آشنایی مردم با امکانات و محدودیت‌های موجود در نظام پیرامون آن‌ها می‌شود. مشارکت تجربه

۱. جمشیدی، علیرضا؛ سیاست جنایی مشارکتی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۰، ص ۹۵.
۲. شیعه علی، علی؛ زارع، وحید؛ زارع، مجتبی؛ جایگاه سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، دوره دوم، شماره ۴ و ۵، ۱۳۹۴، ص ۲۹۲-۲۹۳.
۳. همان، ص ۲۹۹.

۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

شهروندی را فعال و مترقی ساخته و شهروندان را نسبت به نظم علاقه‌مند می‌کند و باعث افزایش آگاهی ایشان درباره وظایف دولت، مردم، محدوده‌ها و محدودیت‌های حقوق دیگران می‌شود.^۱

مشارکت مردم به گونه‌های مختلف در اداره امور از اهمیتی والا برخوردار است. امروزه برای برنامه‌ریزان تکیه بر الگوهای توسعه درون‌زا و خودیار، امری ضروری است. زیرا اگر الگوی مدیریت مشارکتی اجرا شود، افراد جامعه خلاقیت و تلاش خود را به کار می‌گیرند تا هرکدام نظر اصلاحی برای ایجاد امنیت اجتماعی بدهند، در واقع می‌توان گفت که یک نوع ارتباط دو سویه تعاملی - به وجود می‌آید که در آن دیگر، فرآیند مدیریت و تصمیم به صورت از «بالا به پایین» نیست، بلکه از «پایین به بالا» نیز خواهد بود.^۲ و برای کنترل جرم از ظرفیت‌های جامعه در اصلاح مجرمان غیر خطرناک و اصلاح‌پذیر بر استفاده حداقلی از کیفر تأکید می‌شود. یکی از اهداف اصلی کیفرهای اجتماع محور همچنان که از نام آن پیداست اجرای کیفر در بستر جامعه می‌باشد.

سیاست جنایی مشارکتی در سطوح مختلف سیاست جنایی نقش دارد؛ بدین ترتیب که ابتدا، در سطح سیاست جنایی تقنینی باید گفت که جرم‌نگاری رفتارها در مجلس قانونگذاری اصولاً مسبوق به بررسی و کنکاش درباره‌ی طرح‌ها و لایحه‌هایی است که سپس با لباس قانونی در می‌آیند. در این میان، نهادهای گوناگون از جمله، رسانه‌های گروهی - در آگاه سازی مردم و در نتیجه، شرکت دادن آنها در فرآیند تهیه و تنظیم یک پیش‌نویس قانونی تا تصویب آن نقش مهمی بر عهده دارند.^۳

دوم، در سطح سیاست جنایی قضایی نیز جامعه‌ی مدنی می‌تواند از رهگذر ابزارهایی چون رسانه‌های گروهی، با وجود برخی توالی فاسد چون تلقین پیش داری

۱. قبادی، علیرضا؛ ضرورت مشارکت مردم در عرصه‌های فرهنگی، از مجموعه مقالات دولت، مردم و همگرایی، جلد اول، تهران، نشر آن، ۱۳۸۱، ص ۳۸.

۲. جمشیدی، علیرضا؛ سیاست جنایی مشارکتی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۰، ص ۹۵.

۳. ر. ک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی، علوم جنایی، مجموعه مقالات، جلد دوم، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴، ص ۲۶۷.

جایگاه جامعه مدنی در حقوق کیفری با تاکید بر سیاست جنایی مشارکتی ایران.....۵

و ... زمینه‌ی تحقق یک دادرسی عادلانه را فراهم کنند. زیرا، حضور رسانه‌ها در جلسات دادگاه‌ها به منظور آگاه سازی مردم در پرتو علنی بودن دادرسی‌ها - که نظام حقوقی ایران نیز آن را پذیرفته است - نه تنها به انجام دادرسی‌های منصفانه و بی طرفانه کمک می‌کند، بلکه در نقد منصفانه و به دور از غرض ورزی دادگاه‌ها و تصمیم‌های قضایی نیز می‌تواند مؤثر باشد. حضور هیأت منصفه‌ی مردمی در دادگاه‌های ویژه جرایم مطبوعاتی و نیز حضور مشاوران یا دادرسان مردمی در دادگاه‌های خانواده و اطفال بزهکار نمودهایی دیگر از سیاست جنایی قضایی مشارکتی است.

سوم، در سطح سیاست جنایی اجرایی که بخشی از آن مرتبط با اقدامات در مرحله کشف و تعقیب دادرسی و اجرای حکم است نیز پلیس و دستگاه‌های اجرایی خاص - مانند سازمان زندان‌ها، جنگل بانی یا سازمان محیط زیست - به عنوان ضابطان دادگستری با دستگاه قضایی و نهادهای مربوط همکاری دارند.

در این رابطه باید خاطر نشان ساخت که جلب افکار عمومی در افزایش کارایی این نهادها و کاهش هزینه‌های انسانی و مادی کشف و پیگرد جرایم از یکسو و از دیگر سو مشارکت مردم در حل و فصل مبتنی بر صلح و سازش و میانجیگری و حتی تلطیف نمودن مجازات‌ها و همکاری در اجرای آن به ویژه همکاری در مشخص شدن مجازات‌ها و یا کمک به زندانیان نیازمند به گونه‌ای که سال‌های اخیر در کشورمان شاهدیم اهمیت فراوانی دارد و بدین سان، مشارکت و همکاری مردم در سطح سیاست جنایی اجرایی از جایگاه قابل توجهی در کنترل و مبارزه با بزهکاری برخوردار است.^۱ نتیجه آن که در کنار نظام کیفری، عدم استفاده از بالقوه‌گی سایر اجزای جامعه‌ی دولتی و رسمی نه تنها در مبارزه‌ی کیفری با جرم، بلکه در پیشگیری از جرم، که جزو

۱. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، مشارکت مردم در سیاست جنایی و نقش رسانه‌ها در افزایش این مشارکت، گزارش اجمالی نخستین کارگاه آموزشی بزهکاری و رسانه‌های گروهی، کمیته‌ی سیاست جنایی مشارکتی، کمیسیون تدوین سیاست جنایی و اصلاح قوانین کیفری، شورای عالی توسعه قضایی، ۱۳۸۲، ص ۱۶.

۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

رسالت کل جامعه در قالب همبستگی دولت و مردم است، کارآیی نظام کیفری را محدود و در نهایت، به کنترل ناکارآمد بزهکار و بزهکاران منجر می‌شود.^۱ افزون بر این‌ها از آنجا که یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی نظام‌های کیفری که در پرتو اصول مدرن و مکاتب نوین حقوق کیفری در دهه‌های اخیر تحول یافته‌اند، مشارکت جامعه‌ی مدنی و اجزای آن در فرآیند کیفری و نیز در پیشگیری از جرم است.^۲

بدین‌سان، می‌توان گفت که سیاست جنایی ذاتاً دولتی، به سوی سیاست جنایی مشارکتی، که جلوه‌ای از حضور و مداخله مردم در مراحل مختلف کشف، تعقیب، داوری، اجرای حکم و نیز پیشگیری از بزهکاری است، حرکت می‌کند. به دیگر سخن، دولت‌ها نمی‌توانند نقش مؤثر مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) را در اشکال گوناگون کنترل جرم نادیده بگیرند.^۳

۲. قوانین کیفری ماهوی

در این گفتار به قوانین و مقررات کیفری و جزایی جنبه ماهوی دارند بررسی خواهند شد و نقش مردم را نسبت به آنان تبیین خواهیم کرد.

۲-۱. ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

ماده فوق بدین صورت است که «حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد».

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی، منبع پیشین، ص ۲۶۸.

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۹، ۱۰، ۱۳۸۲، ص ۳.

۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، بزهکاری، احساس ناامنی و کنترل، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۲، بهار ۱۳۷۷، ص ۴۳.

جایگاه جامعه مدنی در حقوق کیفری با تاکید بر سیاست جنایی مشارکتی ایران.....۷

نقش جامعه‌ی غیررسمی (مدنی) از یک سو در اقامه‌ی شهادت و در اثبات جرایم حدی و از دیگر سو در اجرای آن‌ها بویژه در اجرای مجازات جرایمی چون زنای محصنه، از مواردی است که نمودار مشارکت مردم در اقامه و اثبات حدود در اجرای حکم است. توضیح آنکه در صورتی که فردی مرتکب زناي محصنه شود، مجازاتی که بر او اعمال می‌شود، سنگسار است. برای نمونه، هرگاه زناي شخصی که دارای شرایط احصان است با اقرار او ثابت شد، هنگام رجم، اول حاکم شرع و سپس دیگران سنگ می‌زنند و اگر زناي او به شهادت شهود ثابت شده باشد اول شهود سپس حاکم و و بالاخره دیگران سنگ می‌زنند.^۱

برای اینکه مردم بتوانند در این امر مشارکت کنند لازم است حاکم شرع مردم را از زمان و مکان اجرای حکم آگاه سازد. به هر حال حضور عده‌ای از مومنین که از سه نفر کمتر نباشد؛ که بیانگر مشارکت در حداقل سطح است؛ مناسب تشخیص داده شده است.^۲

۲-۲. مواد ۲۸۲ و ۲۸۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

ماده ۲۸۲: «حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است:

الف- اعدام

ب- صلب

پ- قطع دست راست و پای چپ

ت- نفی بلد»

ماده ۲۸۵: «در نفی بلد، محارب باید تحت مراقبت قرارگیرد و با دیگران معاشرت، مراوده و رفت و آمد نداشته باشد».

۱. بنی آدم کشتیبان، رضا، سیاست جنایی مشارکتی در اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶، ص ۶۴.

۲. امام خمینی، روح‌ا...؛ تحریرالوسیله، جلد چهارم، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دارالقلم قم، ۱۳۷۰، مسائل ۳ و ۵، ص ۳۸-۳۳۷.

۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

در حد محاربه نیز که یکی از چهار نوع مجازات آن، تبعید است و مصداقی از مشارکت مردم در رابطه با اجرای حکم تبعید است، بدان گونه که بنا بر قول مشهور فقهای امامیه مراد از نفی بلد، تبعید محارب از وطنش است و به هر بلدی که پناه می‌آورد، حاکم به اهل آنجا می‌نویسد از معاشرت و خوردن و آشامیدن و معامله با وی خودداری نمایند؛ نقش مردم از این جهت است که با شخص تبعید مراوده و معاشرت نکنند تا ماده ۲۸۵ قانون مجازات اسلامی عملی شود.^۱

۲-۳. ماده ۴۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

ماده ۴۶۳- «در جنایت خطای محض در صورتی که جنایت با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود، پرداخت دیه برعهده عاقله است و اگر با اقرار مرتکب یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت شد برعهده خود او است».

نهاد دیه یا خون‌بها ریشه در عرف‌ها و قوانین چند هزار ساله‌ی بشری دارد، این نهاد که از یک سو جنبه‌ی مجازاتی داشته و از دیگر سو جنبه‌ی جبران خسارت دارد از جمله احکام حقوقی امضایی اسلام است؛ در این زمینه سبب پرداخت دیه و مسئولان پرداخت آن حایز اهمیت است؛ زیرا مشارکت مردم در جبران خطا برخلاف قاعده‌ی مسئولیت شخصی است و امری است که ناخواسته مسئولیت همگانی و مشارکت عمومی را بدون هیچگونه مقدمه‌ای گسترش می‌دهد. بدین ترتیب این تأسیس حقوقی به مشارکت مردم در قبال پدیده‌ی مجرمانه اصرار می‌ورزد و افزون بر خود جانی یا مجرم در امر پرداخت، سه طبقه یا گروه دیگر نیز مشارکت دارند:

۱. عاقله

۲. ساکنین جایی که جسد در آنجا یافت شده است

۳. بیت‌المال مسلمین

۱. برای اطلاعات بیشتر ر. ک به حاجی ده آبادی، احمد؛ فقه و تدبیر (یادنامه آیت الله موسوی اردبیلی)؛ تاملی درباره محاربه و آثار و تحولات آن در ق.م.ا. ق.م: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی موسوی اردبیلی اردبیلی، ۱۳۹۶.

جایگاه جامعه مدنی در حقوق کیفری با تاکید بر سیاست جنایی مشارکتی ایران.....۹

افزون بر این‌ها، شارع مقدس در صورت مشارکت سایر افراد مردم، هیچگونه منعی قائل نشده و امروزه چنانچه می‌بینیم، اشخاص حقیقی و حقوقی در پرداخت دیه و کمک به رفع مشکلات برآمده از آن به جانی کمک می‌کنند. تشکیل ستادهای دیه نمونه‌ای از این موارد است.

۲-۴. ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

سرقت در صورتی که دارای تمام شرایط زیر باشد موجب حد است: «... ذ- صاحب مال قبل از اثبات سرقت سارق را نبخشد».

بزه مذکور پس از انقلاب به دو نوع، یعنی سرقت مستوجب حد و سرقت تعزیری تقسیم شد. سرقت مستوجب حد ماده ۲۶۸، به پیروی از اجماع فقهای امامیه تا پیش از اعلام شکایت و رفع الامر الی الحاکم جرم حق الناسی و قابل گذشت تلقی شده است و بدین ترتیب تعقیب کیفری سارق منوط به شکایت مسروق عنه نزد حاکم است؛ ولی پس از شکایت که در اینجا طرح دعوی نزد قاضی قابل تعمیم به دادسرا نیز هست، گذشت وی سبب توقف دعوای جزایی و سقوط مجازات نیست؛ پس از این نقش و تأثیر و نقش مردم در این جرم نمایانگر می‌شود.

۲-۵. ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

«مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجراء می‌شود»

سخن رکن رکن استفاده از کیفرهای جایگزین حبس، حمایت، نظارت، مراقبت و همکاری مردم و نهادهای مدنی است به گونه‌ای که یکی از مدل‌های پاسخگویی مشارکتی، از رهگذر اجرای چنین مجازات‌هایی فراهم می‌شود. زیرا در اجرای این

۱۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

مجازات‌ها، نهادهای مجری بی‌نیاز از مشارکت واقعی جامعه و نهادهای جامعوی نیستند که در مجازات‌های جایگزین حبس به روشنی پیش‌بینی شده است. تهیه و تدوین این رویکرد بهترین نمونه بهره‌مندی از مشارکت نهادهای مدنی در پاسخگویی و سزادهی به پدیده‌های مجرمانه است. در بخشی از مقدمه‌ی این لایحه مجازات‌های جایگزین آمده است: «کنار گذاشتن مجرم از اجتماع و ورود وی به زندان موجب می‌شود که وی منطق زیستن در اجتماع را از یاد ببرد و در عوض با فضای زندان که غیراجتماعی و آکنده از زور است انس بگیرد». این است که در این لایحه به سوی نهادهای مردمی گرایش صورت گرفته و دست‌یاری به سوی آنان دراز شده است.

۲-۶. ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

«در تعویق مراقبتی، دادگاه صادرکننده قرار می‌تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتكب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند مرتكب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر در مدت تعویق، ملزم نماید:

الف- حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص

ب- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین

پ- درمان بیماری یا ترک اعتیاد

ت- پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقه

ث- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری

ج- خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر

در آن

چ- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از

قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه

جایگاه جامعه مدنی در حقوق کیفری با تاکید بر سیاست جنایی مشارکتی ایران..... ۱۱

ح- گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی». اجرای این الزام‌های هشتگانه، مستلزم توسل به مردم، نهادهای مردمی یا دست کم، همکاری نزدیک آنان است و از این رهگذر محکوم حیثیت و جایگاه اجتماعی خود را از دست نمی‌دهد. بلکه تحت نظارت یک مأمور مراقبتی یا یک شهروند یا یک نهاد مدنی قرار می‌گیرد؛ به هر حال اجرای چنین مجازات‌های اجتماعی، در قالب یک پاسخ به پدیده‌ی مجرمانه، جز در سایه‌ی حمایت و مشارکت مردم میسر نیست و با آنکه ممکن است این پاسخ‌ها ذاتاً جامعوی تلقی نشوند ولی در عمل جز در پرتو حمایت‌ها و مشارکت‌های جامعوی و مردمی تحقق نخواهند یافت.

۷-۲. ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

خدمات عمومی‌رایگان، خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدت معین به شرح ذیل مورد حکم واقع می‌شود و تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجراء می‌گردد:

الف- جرائم موضوع بند (الف) ماده (۸۳) تا دویست و هفتاد ساعت.

ب- جرائم موضوع بند (ب) ماده (۸۳) دویست و هفتاد تا پانصد و چهل ساعت.

پ- جرائم موضوع بند (پ) ماده (۸۳) پانصد و چهل تا هزار و هشتاد ساعت.

ت- جرائم موضوع بند (ت) ماده (۸۳) هزار و هشتاد تا دو هزار و صد و شصت ساعت.

خدمات عام المنفعه حکمی است که توسط دادگاه صادر می‌شود. به موجب آن، بزهکار فرصت پیدا می‌کند که با انجام خدماتی به نفع جامعه، ضرر و زیان ناشی از بزه ارتكابی‌اش را که بر جامعه وارد کرده بدون اجرای مجازات زندان جبران نماید. اجرای خدمات عام المنفعه تنها به گروهی از بزه‌ها و همچنین به گروه خاصی از بزهکاران که مجازاتشان غیرعمدی و یا سبک است و خطری برای جامعه ندارد اختصاص دارد، بنابراین شامل مجرمان خطرناک نمی‌شود.

۱۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

این فرآیند امروزه در بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکایی جنبه تقنینی یافته است. فرآیند مزبور یک فلسفه عدالت ترمیمی را به همراه دارد که بر مبنای آن بزهکار یکسری خدمات عام‌المنفعه را انجام می‌دهد که این امر منجر به اشتغال و کسب تجربه‌های نوین می‌شود.

این نوع مجازات نه تنها امکان استفاده‌ی جامعه را از خدمات محکومان فراهم می‌نماید و سبب بهره‌گیری از نیرو و توان آنها می‌شود؛ بلکه موجب می‌گردد خانواده‌ی این افراد و جامعه نیز از حاصل کار آنان منتفع شوند. خدمات عام‌المنفعه از مصادیق مهم مشارکت مردم در فرآیند اصلاح و درمان بزه‌کاران است و به مجرم نشان می‌دهد که هر چند جامعه از مجرمیت او متأثر شده است، با این همه می‌تواند به او به عنوان یک عنصر سودمند و سازنده - نه مخرب و زیانبار - نیز بنگرد.

در این زمینه باید افزود که اجرای خدمات عام‌المنفعه دارای مقدمات و پیش‌زمینه‌هایی است و یکی از مؤلفه‌های اساسی خدمات عام‌المنفعه، گزینش نهادها و افرادی است که تجارب کار عام‌المنفعه محکومان به آنان واگذار می‌شود. بدیهی است که این نهادها می‌توانند مراجع محلی داوطلب باشند. برای نمونه، بنیادهای خیریه، سازمان‌های مذهبی و ... در بسیاری از کشورها و از جمله کشور ایران نقش بسیار مهمی در این زمینه دارند.

۳. قوانین شکلی

در این گفتار به قوانین و مقررات کیفی و دادرسی جنبه شکلی دارند بررسی خواهند شد و نقش مردم را نسبت به آنان تبیین خواهیم کرد.

۳-۱. ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی زندان‌ها

این ماده مقرر می‌دارد: «اداره کل شوراهای حل اختلاف کشور می‌تواند در هر زندان یا مؤسسه‌ی وابسته با نظر سازمان و در چارچوب قانون و آیین‌نامه‌ی اجرایی شوراهای حل اختلاف، شعبه‌ای برای حل اختلاف متهمان و محکومان و شاکیان خصوصی آنان

جایگاه جامعه مدنی در حقوق کیفری با تاکید بر سیاست جنایی مشارکتی ایران.....۱۳

ایجاد نماید؛ ریسمان زندان‌ها و مؤسسه‌های کیفری نیز مکلفند، برای انجام این امر اقدام نموده و در حد توانایی‌ها همکاری لازم را به عمل آورند.»

در پرتو دگرگونی‌های پدید آمده در راستای توسعه‌ی قضایی آیین‌نامه‌ی اجرایی زندان‌ها نیز به منظور همگرایی هر چه بیشتر با سیاست‌های راهبردی توسعه‌ی قضایی نیاز به اصلاح داشت؛ از این رو کمیته‌ی مأمور اصلاح این آیین‌نامه شد و سرانجام پس از انجام مطالعات، بررسی‌ها و تحقیقات آیین‌نامه‌ی اصلاحی در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۲۰ به تصویب رسید.

صرف‌نظر از نوآوری‌های مهمی که در این آیین‌نامه نظیر: رسوخ دیدگاه‌های کیفرشناسی فایده‌گرا، توجه به راهبرد زندان زدایی، تعریف و برشماری وظایفی برای منصب قاضی ناظر زندان برای نخستین بار چون مشارکت وی در شواری طبقه‌بندی و ...، تأسیس دفتری به نام دفتر حقوق شهروندی در این سازمان، توسعه‌ی مرخصی‌های هدفمند و متناسب و تبدیل واحدهای فرهنگی به واحدهای اصلاح و بازپروری که همراه با برشماری وظایف این واحدها و جهت‌دهی نظام‌مند و تخصصی به اقدامات آنان در آیین‌نامه‌ی جدید سازمان زندان‌ها، می‌توان با توجه به موضوع مورد توجه و بحث این پژوهش که تا کنون به آن پرداخته شد به تدوین ماده‌ی ۱۸۶ این آیین‌نامه برای نخستین بار اشاره کرد که به خوبی زمینه‌های مشارکت‌های مدنی و مردمی را در حصار زندان‌ها و مؤسسه‌های وابسته به آن فراهم ساخته است. در این ماده‌ی ابتکاری که خود برآیندی از جلوه‌های مشارکتی، مدل کیفرشناختی ایرانی است.

به این ترتیب با وجود این ماده، افزون بر نهادهای سنتی نظیر انجمن‌های حمایت از زندانیان که سالیان درازی است در قلمرو سزادهی و اجرای کیفری، موجبات جلب مشارکت‌های مردمی را فراهم آورده‌اند، باید شاهد مشارکت نهاد مدنی شورای حل اختلاف در خصومت زدایی در مرحله‌ی اجرای مجازات‌ها بود. به نظر می‌رسد این الگوی ملی در آینده مورد تقلید و اقتباس دیگر کشورها نیز واقع شود. رییس قوه قضاییه با صدور بخشنامه‌ی ۸۵/۱۰/۱۶ در این زمینه راه را برای توسعه‌ی نهاد

۱۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

شورای حل اختلاف در کانون‌های اصلاح و تربیت سراسر کشور و همه‌ی حوزه‌های قضایی هموار ساخته است. به گونه‌ای که به موجب این بخشنامه از یک سو تشکیل شورای حل اختلاف در هر حوزه‌ای که کانون اصلاح و تربیت در آن مستقر است الزامی است و از دیگر سو اعضای این شورا به سبب حساسیت و ویژگی‌های خاص اطفال، باید حایز شرایط ویژه‌ای باشند.

۲-۳. ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

این مقرر می‌دارد: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.

تبصره ۱- در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده طفل، مجنون و یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی، قیم یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند.

تبصره ۲- ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفند بزه‌دیدگان جرایم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه، آگاه کنند.

تبصره ۳- اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد که می‌توانند در اجرای این ماده اقدام کنند، در سه‌ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد.

تبصره ۴- اجرای این ماده با رعایت اصل یکصد و شصت و پنجم (۱۶۵) قانون اساسی است و در جرائم منافی عفت سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع این ماده می‌توانند

جایگاه جامعه مدنی در حقوق کیفری با تاکید بر سیاست جنایی مشارکتی ایران.....۱۵

با رعایت ماده (۱۰۲) این قانون و تبصره‌های آن تنها اعلام جرم نموده و دلایل خود را به مراجع قضائی ارائه دهند و حق شرکت در جلسات را ندارند».

بدون تردید یکی از جلوه‌های بسیار بارز مشارکت مردم در عرصه فعالیت‌های عمومی، تأسیس و اقدام سازمان‌های مردم نهاد هستند که به مفهوم امروزین خود در سال‌های پایانی قرن نوزدهم در اروپا شکل گرفتند و در عرصه‌های مختلف در سطح‌های متفاوت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی شروع به فعالیت نمودند. سیاستگذاران جنایی در کشورهای مختلف و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی با استقبال از حضور اینگونه سازمان‌های مردم نهاد، که مبنای این حضور در رسیدگی‌های کیفری، حمایت از بزه‌دیدگان است.

امروزه موفقیت و کارکرد مناسب این سازمان‌ها بر هیچکس پوشیده نیست. حمایت از بزه‌دیدگان هم یکی از عرصه‌هایی بوده است که سازمان‌های مردم نهاد از همان بدو آغاز فعالیت خود بدان پرداخته‌اند. البته در دهه‌های پایانی قرن بیستم، به شکلی گسترده‌تر و تخصصی‌تر می‌توان بسیاری از سازمان‌های مردم نهاد را مشاهده نمود که حمایت از بزه‌دیدگان را به عنوان موضوع انحصاری فعالیت خود انتخاب نموده‌اند و در این حوزه به موفقیت‌های زیادی نائل گشته‌اند؛ سازمان‌های مردم نهاد، صرفاً یک مشاور دهنده ساده به بزه‌دیدگان برای احقاق حقوق از دست رفته‌شان نیست، بلکه به عنوان کنشگری فعال که می‌توانند در فرآیند عدالت، از جمله فرآیند عدالت کیفری، وارد گشته و به حمایت از بزه‌دیدگان پردازند، شناخته می‌شود.

نقش سازمان‌های مردم نهاد در راستای اندیشه نوین بزه دیده شناختی در حقوق کیفری و اندیشه سیاست جنایی مشارکتی پیش‌بینی شده است؛ سیاست و نگرشی که بر مشارکت و حضور جامعه‌ی مدنی در عرصه‌های مختلف فرآیند کیفری بنا شده است. بر مبنای همین سیاست، سازمان‌های مردم نهاد به عنوان جلوه‌ی بارز جامعه‌ی مدنی، نقش جدیدی برای مشارکت خود در قلمرو دادرسی کیفری یافته‌اند.^۱

۱. خالقی، علی؛ نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، شهر دانش، چاپ پنجم، ۱۳۹۴، ص ۸۴

۱۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

روشن است که براساس مقررات کنونی و سابق دادرسی کیفری این سازمان‌ها تحت عنوان اعلام‌کننده‌ی جرم می‌توانند وارد عمل شوند. زیرا به موجب مواد قانون جدید آیین دادرسی کیفری مشکلی در این زمینه وجود ندارد. برای نمونه در ماده‌ی ۶۴ قانون فعلی که جهات شروع به تعقیب در آن شمارش شده است، در بند «ب» به «اعلام و اخبار ضابطین دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن» اشاره شده است. در این بند قانونگذار به دو شیوه متداول در اعلام جرم پرداخته است. ضابطین دادگستری با توجه به جایگاه سازمانی‌ای که دارند به عنوان «اعلام‌کننده رسمی» و سایر اشخاص خصوصی به عنوان «اعلام‌کننده غیررسمی» به شمار می‌روند. اطلاق واژه‌ی شخص در این بند را می‌توان دلیلی برای در برگرفتن اشخاص حقیقی و حقوقی قلمداد کرد. تنها محدودیتی که برای پذیرش شخص به عنوان اعلام‌کننده‌ی جرم در نظر گرفته شده است، قابل اعتماد و اطمینان بودن این اشخاص است. روشن است که با توجه به جایگاه سازمان‌های غیردولتی و تخصصی بودن آن‌ها و نیز شرایطی که به موجب آن اجازه‌ی فعالیت به آن‌ها داده می‌شود، اظهارنظر آن‌ها و اعلام جرم به وسیله‌ی آن‌ها به طور معمول از اشخاص حقیقی از استحکام و دقت بیشتری برخوردار است. بر همین اساس به نظر می‌رسد مانعی برای پذیرش سازمان‌های غیردولتی به عنوان «اعلام‌کننده جرم» وجود ندارد.^۱

در نظام حقوقی ایران، یکی از مقررهای قانونی که به جایگاه سازمان‌های غیردولتی در پیشگاه مراجع قضایی پرداخته است آیین‌نامه‌ی اجرای تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی مصوب ۱۳۸۴ هیأت وزیران است. بنا بر ماده‌ی ۱۶ آیین‌نامه مورد اشاره «سازمان حق دارد در موضوع فعالیت‌های خود و برای حمایت از منابع خود در مراجع قضایی نسبت به اقامه‌ی دعوا مبادرت کنند. برای نمونه می‌تواند به مناسبت جرایمی که

۱. کوشکی، غلامحسین، سازمان‌های غیردولتی: از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوای عمومی (با نگاهی به قانون آیین دادرسی کیفری)، فصلنامه پژوهش‌های حقوق کیفری، شماره پاییز، ۱۳۹۲، صص ۸۶-۶۵

جایگاه جامعه مدنی در حقوق کیفری با تاکید بر سیاست جنایی مشارکتی ایران.....۱۷

در حوزه‌ی محیط زیست رخ می‌دهد و در راستای منافع عمومی نسبت به اقامه‌ی دعوا در مراجع قضایی اقدام کند.^۱

بنابراین این ماده تضمین مناسبی برای مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در فرآیند کیفری نیست. ضمن اینکه روشن نیست در این مورد سازمان‌های غیردولتی تحت چه عنوانی در فرآیند دادرسی کیفری مشارکت می‌کنند؟ آیا تمامی حقوق قابل تصور برای شاکی به این سازمان‌ها داده می‌شود؟ بنابراین دیده می‌شود چنین موضوع پراهمیتی با ابهام و اجمال روبرو است.

پرسش اساسی در این خصوص این است که در نهایت چه انجمن‌هایی و تحت چه عنوانی در فرآیند کیفری مداخله می‌کنند؟ اهمیت این پرسش زمانی بیشتر آشکار می‌شود که ورود اشخاص خارج از فرآیند دادرسی کیفری نیازمند حکم قانونگذار است.

در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به شکل روشن به نام و نقش سازمان‌های غیردولتی اشاره شده است:

«سازمان‌های مردم نهادی که اساسنامه آن‌ها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض نمایند...».

بنابراین براساس این ماده نقش متمایز و متفاوتی برای مشارکت سازمان‌های غیردولتی تهیه و تدارک دیده شده است. از یک سو می‌توان این سازمان‌ها را اعلام‌کننده‌ی صرف به شمار آورد. زیرا اعلام‌کننده جرم با اعلام مراتب جرم به مقامات

۱. شیعه علی، علی؛ زارع، وحید؛ زارع، مجتبی؛ جایگاه سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، دوره دوم، شماره ۴ و ۵، ۱۳۹۴. صفحه - از ۲۸۷ تا ۳۱۰

۱۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

ذیصلاح، تکلیفش پایان می‌پذیرد و در فرآیند دادرسی کیفری دارای حق اعتراض و یا سایر حقوق پیش‌بینی شده برای شاکی نیست. حال آن که براساس ماده‌ی بالا افزون بر اعلام جرم، حقوقی برای سازمان‌های غیردولتی پیش‌بینی شده است که در واقع این حقوق متعلق به شاکی است. حقوق نامبرده دو مورد است که تا اندازه‌ای در بردارنده‌ی حقوق شاکی است. نخست اینکه این سازمان‌ها می‌توانند جهت اقامه دلیل در فرآیند دادرسی مشارکت کنند. این حق نقش سرنوشت‌ساز بر نتیجه پرونده دارد، زیرا دلیل است که می‌تواند جهت‌گیری پرونده را مشخص کند. افزون بر این که به مانند شاکی می‌تواند به تصمیمات گرفته شده اعتراض کند. البته با توجه به لحن قانون جدید اینگونه برداشت می‌شود که اختیارات ذکر شده جنبه‌ی حصری دارد و نمی‌توان خارج از این موارد اختیار دیگری برای این سازمان‌ها در نظر گرفت.^۱

در مواد ۷۰ و ۷۱ قانون جدید آیین دادرسی کیفری با هدف حمایت از بزهدیدگان و به ویژه بزهدیدگانی که به دلیل شرایط جسمی و یا ناتوانی‌های روحی از آسیب‌پذیری برخوردارند، تدابیر و تشریفات اختصاصی‌ای در نظر گرفته است که هر چند از نظر اهداف با فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی دارای اشتراکاتی است، اما کاملاً این دو تأسیس و دو تدبیر از همدیگر متفاوت و متمایزاند. به موجب ماده ۷۰ نخست در صورتی که جرم از جرایمی باشد که نیازمند شکایت شاکی است و دوم اینکه بزهدیده محجور باشد.^۲

براساس تبصره ۲ قانون آیین دادرسی کیفری، «ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفند بزهدیدگان جرایم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه،

۱. مهدی، گلشن؛ «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی کیفری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه کاشان، ۱۳۹۲، ص ۸۹.

۲. کوشکی، غلامحسین، سازمان‌های غیردولتی: از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوای عمومی (با نگاهی به قانون آیین دادرسی کیفری)، فصلنامه پژوهش‌های حقوق کیفری، شماره پاییز، ۱۳۹۲، صص ۸۶-۶۵

جایگاه جامعه مدنی در حقوق کیفری با تاکید بر سیاست جنایی مشارکتی ایران.....۱۹

آگاه کنند». این موضوع باعث تقویت نقش این سازمان‌ها در فرآیند کیفری می‌گردد و در عمل میزان بکارگیری این سازمان‌ها مضاعف می‌گردد.

کشور فرانسه به عنوان کشوری که در آن بیش از یک قرن از به رسمیت شناختن سازمان‌های مردم نهاد می‌گذرد، یکی از کشورهای پیش رو در زمینه استفاده از ابزارهای سیاست جنایی مشارکتی می‌باشد.^۱ نظام حقوقی فرانسه در طی یک دهه گذشته با درک قابلیت‌های سازمان‌های مردم نهاد سعی کرده است راه را برای حضور این نهادهای جامعه مدنی در فرآیندهای قضایی هموار نماید.^۲

سیستم حقوقی فرانسه در همه‌ی جرایم و دعاوی از سازوکاری مشابه برای مداخله‌ی سازمان‌های مردم نهاد در دادرسی کیفری در جهت حمایت از بزه‌دیدگان پیروی نکرده است و در واقع به دلیل اینکه علاوه بر قانون آیین دادرسی کیفری و آیین‌نامه و بخشنامه‌های متعدد آن، قوانین خاص مختلفی هم به مقوله مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در دادرسی کیفری می‌پردازند، لذا نحوه این مشارکت و مداخله چندان مشخص نیست. با نگاهی اجمالی به قوانینی که امکان مداخله‌ی سازمان‌های مردم نهاد را در دادرسی کیفری کشور فرانسه می‌دهند، مشاهده می‌نماییم که اکثر جرایم مهم و خشونت‌بار و جرایم علیه حقوق اساسی افراد جزو این دسته از جرایم هستند و در واقع قانونگذار فرانسه سعی کرده است که در اکثریت قریب به اتفاق موارد مهم بزه‌دیدگی، امکان برخورداری بزه‌دیده را از مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در دادرسی کیفری فراهم نماید. همچنین در سیستم حقوقی این کشور در مواردی با پیش‌بینی سازوکارهایی خاص، مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در راستای حمایت از بزه‌دیدگان حتی بدون نیاز به موافقت خود بزه‌دیدگان، امکانپذیر است.^۳

۱. رستمی، ولی؛ «مشارکت مردم در فرآیند کیفری»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۷، تابستان ۱۳۸۶، ص ۱۴۳.

۲. Rvfman, philippe, Les ONG, la Decouverte, paris, ۲۰۰۹, p۸۹.

۳. Bouloc, Bernard, procedure penale, Dalloz, ۲۲, ed, paris, ۲۰۱۰, p۶۳.

۲۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

این در حالی است که در نظام کیفری ایران طبق تبصره ۱ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۹۴/۳/۱۴ مقرر شده است: «در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است...» گرچه پیش‌بینی این تبصره در جهت حفظ حریم خصوصی افراد جامعه اقدامی درست است، اما مقنن بهتر است به این حکم عام استثنائاتی وارد نماید.

در نظام حقوقی فرانسه در مواردی خاص قانونگذار به سازمان‌های مردم‌نهاد صرفاً اجازه مداخله کیفری در دعوای از پیش به جریان افتاده را داده است. به عبارت دیگر در موارد استثنایی، اجازه به راه انداختن تعقیب به سازمان‌های مردم‌نهاد داده نشده است و این سازمان‌ها مجبور هستند تا به راه افتادن تعقیب از جانب دادستان یا شخص متضرر از جرم منتظر بوده و تا پیش از آن حق مداخله ندارند. در نتیجه در برخی حالات استثنایی «در جریان بودن تعقیب» را باید شرط دیگری برای پذیرش دعوای سازمان‌های مردم‌نهاد دانست. دعوای سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان جرایم تروریستی (ماده ۹-۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه) و دعوای سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در زمینه بزه دیدگان تصادفات کار و بیماری‌های شغلی (ماده ۱۸-۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه) از این جمله مواردی هستند که سازمان‌های مردم‌نهاد تنها حق دارند از طریق مداخله در دادرسی کیفری، مبادرت به اقامه‌ی دعوای نمایند.^۱

در مداخله گرچه تعقیب از پیش راه افتاده و احتمالاً بزه‌دیده خود نیز وارد دادرسی گشته است، اما مسلماً با ورود سازمان‌های مردم‌نهاد، بزه‌دیده دیگر در تعقیب متهم تنها نیست، بلکه یکی از کارکردهای سازمان‌های مردم‌نهاد در رسیدگی‌های کیفری به عنوان نهادهای تخصصی و با تجربه در امور کیفری و پیگیری‌های قضایی، می‌توانند با هدایت دادرسی، بزه‌دیده را از بسیاری تشریفات و پیچ و خم‌های قضایی و اداری

۱. Larguier, jean philippe conte, procedure penale, ۲^e ed, paris, Dalloz, ۲۰۰۶, p ۲۳.

جایگاه جامعه مدنی در حقوق کیفری با تاکید بر سیاست جنایی مشارکتی ایران..... ۲۱

معاف نموده و با حداقل با همراهی وی در فرآیند دادرسی کیفری، موجبات تسهیل روند قضایی را برای وی فراهم آورند.

در قانون آیین دادرسی کیفری ایران در هیچ حالتی ورود سازمان‌های مردم نهاد در دادرسی کیفری را منوط به در جریان بودن قبلی تعقیب نکرده است. بنابراین به نظر می‌رسد با جمع شرایط ماده ۶۶؛ سازمان‌ها مجازند در تمامی موارد، خود رسماً مبادرت به راه انداختن تعقیب نمایند. البته با توجه به لحن ماده ۶۶، به نظر می‌رسد در صورتی که تعقیب قبلاً توسط مقامات قضایی یا شخص بزه‌دیده نیز به جریان افتاده باشد، منعی برای مداخله و ورود سازمان‌های مردم نهاد در دادرسی کیفری وجود نداشته باشد و به عبارت دیگر شرکت این سازمان‌ها در دادرسی کیفری، به نظر نمی‌رسد محدود به حالتی باشد که این سازمان‌ها اعلام کننده جرم و آغاز کننده تعقیب باشند.

نتیجه گیری

نقش و جایگاه مردم و جامعه مدنی در دایره علوم جنایی و پاسخ به پدیده مجرمانه، همواره متغیر بوده و در تاریخ عدالت کیفری وضعیت یکسانی را پشت سر نگذاشته است. از دوران ابتدایی مواجهه جوامع با جرم، که با انتقام‌گیری خصوصی و سپس دادگستری خصوصی آغاز گردیده، تا دوران روزگاران نزدیک‌تر که عرصه مداخله انحصاری حاکمیت‌ها و دولت‌ها در عرصه کیفری بوده است، بی شک نقش طرفین و اصحاب درگیر در فرآیند کیفری اعم از بزه‌کاران، بزه‌دیده، نزدیکان آن دو، جامعه محلی، دولت، نهادها و تشکل‌های عمومی و خصوصی با تغییرات شگرفی مواجه شده است؛ با ناکارآمدی روزافزون این نظام عدالت کیفری بزه‌کار مدار و بالا رفتن آمار جرم در قرن بیستم و افزایش رقم سیاه بزه‌کاری و همچنین سرخوردگی و دلسردی هر چه بیشتر بزه‌دیدگان از نظام عدالت کیفری رسمی، از نیمه‌های قرن بیستم، اندیشمندان علوم جنایی با چرخشی محسوس به سوی بزه‌دیدگان متمایل شدند و پس از کنکاش در نقش بزه‌دیده در تکوین پدیده‌ی مجرمانه، به این نتیجه رسیدند که اصولاً هیچ

۲۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

سیاست جنایی نمی‌تواند و نباید بدون توجه به بزه‌دیدگان طراحی و اجرا گردد. بدین ترتیب اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان که خود ریشه در اندیشه‌های حقوق بشری قرن بیستم دارد، به جنبشی نوین بدل گشت که چه در سطح ملی در بسیاری از کشورها و چه در سطح بین‌المللی در عرصه‌ی سیاست گذاری جنایی و قانونگذاری، نشانه‌های بسیاری از آن را می‌توان مشاهده نمود.

اکنون دیگر طرف‌های دادرسی کیفری منحصر به بزه‌کار، بزه‌دیده و مدعی العموم نیست. گروه‌های مختلف مردمی نیز خود را نسبت به جرایم رخ داده در جامعه مسئول دانسته و در موارد بسیاری حتی پیگیرتر از مقامات قضایی و دولتی در مواردی جدی‌تر از متضرر اصلی جرم، درصدد دادخواهی بر می‌آیند. در همین راستا در قانونگذاری‌های جدید ضلع چهارمی بر سه ضلع قبلی دادرسی (متهم، دادستان، شاکی) افزوده گردیده است و در مواردی به جامعه محلی مدنی اجازه داده شده است به صورت جدی وارد فرآیندهای قضایی گشته و به نقش آفرینی پردازند.

می‌توان گفت هدف مهم سیاست جنایی با مداخله جامعه مدنی یعنی تأمین امنیت می‌تواند با همجواری زمانی و مکانی دست‌اندرکاران دولتی و جامعه‌ی یعنی از رهگذر پیشگیری و سرکوب کیفری بزهکاری و نیز بازپذیرسازی اجتماعی بزهکاران جایگاه واقعی خود را پیدا کند.

فهرست منابع

۱. امام خمینی، روح ا...؛ تحریرالوسیله، جلد چهارم، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دارالقلم قم، ۱۳۷۰، مسائل ۳ و ۵.
۲. بنی آدم کشتیبان، رضا، سیاست جنایی مشارکتی در اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.
۳. حاجی ده آبادی، احمد؛ فقه و تدبیر (یادنامه آیت الله موسوی اردبیلی)؛ تاملی درباره محاربه و آثار و تحولات آن در ق.م.ا. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی موسوی اردبیلی اردبیلی، ۱۳۹۶.
۴. جمشیدی، علیرضا؛ سیاست جنایی مشارکتی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۰.
۵. خالقی، علی؛ نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، شهر دانش، چاپ پنجم، ۱۳۹۴.
۶. شیعه علی، علی؛ زارع، وحید؛ زارع، مجتبی؛ جایگاه سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، دوره دوم، شماره ۴ و ۵، ۱۳۹۴.
۷. دلماش مارتی، میری، سیاست جنایی؛ مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، جلد نخست، چاپ سوم، ۱۳۹۳.
۸. رستمی، ولی؛ «مشارکت مردم در فرآیند کیفری»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۷، تابستان ۱۳۸۶.
۹. قبادی، علیرضا؛ ضرورت مشارکت مردم در عرصه‌های فرهنگی، از مجموعه مقالات دولت، مردم و همگرایی، جلد اول، تهران، نشر آن، ۱۳۸۱.
۱۰. کوشکی، غلامحسین، سازمان‌های غیردولتی: از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوای عمومی (با نگاهی به قانون آیین دادرسی کیفری)، فصلنامه پژوهش‌های حقوق کیفری، شماره پاییز، ۱۳۹۲، صص ۸۶-۶۵.

- ۲۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷
۱۱. مهدی، گلشن؛ «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی کیفری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه کاشان، ۱۳۹۲.
۱۲. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، سیاست جنایی، علوم جنایی، مجموعه مقالات، جلد دوم، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴.
۱۳. مشارکت مردم در سیاست جنایی و نقش رسانه‌ها در افزایش این مشارکت، گزارش اجمالی نخستین کارگاه آموزشی بزهکاری و رسانه‌های گروهی، کمیته‌ی سیاست جنایی مشارکتی، کمیسیون تدوین سیاست جنایی و اصلاح قوانین کیفری، شورای عالی توسعه قضایی، ۱۳۸۲.
۱۴. از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۹، ۱۰، ۱۳۸۲.
۱۵. بزهکاری، احساس ناامنی و کنترل، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۲، بهار ۱۳۷۷.
۱۶. Annie Beziz – Ayache, (۲۰۰۳), Dictionnaire Dedroit Penal General Etprocedure Penal , Ellipses, ۲. Edition.
۱۷. Bouloc, Bernard, procedure penale, Dalloz, ۲۲,ed, paris, ۲۰۱۰.
۱۸. Larguier, jean philippe conte, procedure penale, ۲۱ed, paris, Dalloz, ۲۰۰۶.
۱۹. Ryfman, philippe, Les ONG, la Decouverte, paris, ۲۰۰۹.